



# خلاقیت در برنامه‌سازی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیر طرح و تأمین برنامه شبکه رادیویی تهران

رتال جامع علوم انسانی

## اشاره

دست به هر کار تولیدی که می‌زنید یکی از راه‌های باقی‌ماندن در این عرصه نوآوری، ابتکار و خلاقیت است، وگرنه به سرعت از رقابت با سایر تولیدکنندگان بازخواهید ماند. تولید برنامه‌های رادیویی نیز از این اصل مستثنی نیست. هر برنامه‌ای حتی جالب‌ترین آنها، بعد از مدتی از نظر مخاطبان‌شان تکراری می‌شود. به همین دلیل تهیه‌کنندگان موفق، اغلب در طول تهیه یک برنامه به‌طور مداوم در جست‌وجوی

بخش‌ها یا آیتم‌های تازه و جذاب هستند. در واقع تهیه‌کنندگانی موفق هستند که به قالب‌های موجود برنامه‌سازی بسنده نکنند و به خلق قالب‌های جدید دست بزنند. ساختارهای اصلی رادیو محدودند، در حالی که با ترکیب آنها می‌توان به ساختارهای جدید دست پیدا کرد و این نکته اصلی و پراهمیت برای باقی‌ماندن در عرصه رقابت است. به عبارت دیگر در برنامه‌سازی لازم است این اصل اساسی را فراموش نکنیم که: «به دلیل آنچه دیروز

پخش کرده‌ایم، امروز باید کمی متفاوت‌تر باشیم.» یکی از آفت‌ها و آسیب‌هایی که برنامه‌سازان پس از مدتی از تولید یک برنامه روتین به آن مبتلا می‌شوند، روزمرگی و عادی‌شدن برنامه‌سازی و نحوه پردازش موضوع است. به تعبیر دیگر قالب‌بندی که برنامه‌سازان به آن خو گرفته‌اند؛ و همان عناصر قالب‌بندی می‌تواند عامل روی گردانی شنوندگان و یا در واقع خاموش کردن رادیو شود.

لازم است برنامه‌ساز خلاق خود را دائماً با این پرسش‌ها مواجه کند که:  
- «چگونه می‌توانم عناصر کاملاً آشنا و یا در واقع تکراری را با عناصر به اندازه کافی نو در هم آمیزم تا ترکیب‌بندی‌ها بدیع به نظر آیند؟»  
یا

- «چگونه به این باور برسیم که به دلیل آنچه دیروز در ایستگاه رادیویی‌ام برای شنوندگانم انجام داده‌ام، آنها حق دارند انتظار داشته باشند امروز برنامه‌ای ولو با تفاوتی اندک بشنوند.»

به عبارتی در رادیو هیچ شکل و قالب نهایی و مطلق وجود ندارد، هرچه هست فقط برای امروز درست است. نظرها، شکل‌ها و قالب‌های امروز، برای فردا یک روز کهنه شده‌اند. دنیا دائماً در حال تغییر است و مخاطبان منتظر شنیدن برنامه یا برنامه‌هایی تازه هستند.

با توجه به مطالب فوق و با آشنایی با اجزا و عناصر برنامه‌سازی و کاربرد درست و خلاقانه آنها، می‌توانیم یک برنامه جذاب و شنیدنی تولید کنیم.

### اجزا و عناصر برنامه‌سازی

**گفتار:** بخشی از محتوا و پیام برنامه که توسط گوینده یا گویندگان بیان می‌شود.  
**مصاحبه و گزارش:** بخشی از محتوا و پیام برنامه که از طریق گفت‌وگو، مصاحبه با کارشناسان، مسئولان و گزارش مردمی مطرح می‌شود.

**موسیقی:** یکی از مهم‌ترین عناصر در برنامه‌سازی رادیویی است که به شکل‌های مختلف و متنوع به کار می‌رود: از جمله حالت، فاصله، شروع و پایان برنامه.  
**افکت:** گاه به‌منظور تصویرسازی و کمک به درک بیشتر و بهتر پیام از آن استفاده می‌شود.

**نمایش:** گاهی برای بیان پیامی که می‌خواهیم ارائه کنیم از این قالب استفاده می‌کنیم که توسط بازیگر یا بازیگران ارائه می‌شود.

**مسابقه:** گاه در ارائه پیام جنبه سرگرم‌کنندگی آن غالب است و از عناصر جذب مخاطب است که به شکل‌های مختلف طراحی می‌شود.

**کارشناسی:** به شکل حضوری یا تلفنی در برنامه شرکت دارند و در حوزه تخصصی به بررسی موضوع و یا پیام برنامه می‌پردازند.

**تماس‌های تلفنی:** طرح دیدگاه مخاطبان در رابطه با موضوع برنامه است. یکی از نشانه‌های توانمندی برنامه‌سازان، به‌کارگیری و ترکیب درست عناصر رادیویی و شکل‌دهی به فرم و محتوای خلاقانه آنهاست.  
حال نوبت شماست که فکر کنید و به این پرسش‌ها پاسخ دهید:

- نمونه‌هایی از برنامه‌های رادیویی که شنیده‌اید را مرور کنید. کدام برنامه تنها

**چنانچه برنامه‌ساز بتواند از هجوم اطلاعات فراتر رفته و از تجربه‌های گذشته به شکل تازه‌ای متناسب با زمان و موقعیت استفاده کند، تفکری انعطاف‌پذیر داشته باشد و جرئت کند بدون نگرانی از مورد قضاوت واقع شدن این تفاوت‌ها را برجسته سازد، در این صورت است که می‌تواند بر مخاطب خود تأثیر بگذارد و او را به شنیدن برنامه‌اش ترغیب کند.**

با یکی از این اجزا و عناصر تشکیل شده است؟

- آیا نمونه یا نمونه‌هایی از برنامه‌هایی که با ترکیب اجزا و عناصر تکراری، به ساختاری نو دست یافته‌اند به یاد می‌آوردید؟  
- آیا نحوه چینش این عناصر در شکل‌دهی به یک برنامه شنیدنی مؤثر است؟

پرهیز از کلیشه و کلی‌گویی نه تنها یکی از مشکلات برنامه‌های رادیویی، بلکه یکی از موانع مؤثر بروزنیافتن خلاقیت و نوآوری هم هست. چرا برنامه‌ساز دچار کلی‌گویی می‌شود؟ چرا نمی‌تواند موضوع برنامه را به اجزایش خرد کند؟ و چرا ذهن برنامه‌ساز، بدون انعطاف و درگیر کلیشه‌های رایج است؟

در اینجا در صدد پاسخ به این پرسش‌ها نیستیم، اما عبور از این مشکل امکان‌پذیر است و می‌خواهیم راه‌های رهاشدن از این مشکل را با هم مرور کنیم.

راه اصلی برای رهاشدن از این مشکل، تمرین است؛ تمرین نگاه کردن. اما نگاه کردن از منظر و دریچه‌ای متفاوت با همیشه. چنانچه برنامه‌ساز بتواند از هجوم اطلاعات فراتر رفته و از تجربه‌های گذشته به شکل تازه‌ای متناسب با زمان و موقعیت استفاده کند، تفکری انعطاف‌پذیر داشته باشد و جرئت کند بدون نگرانی از مورد قضاوت واقع شدن این تفاوت‌ها را برجسته سازد، در این صورت است که می‌تواند بر مخاطب خود تأثیر بگذارد و او را به شنیدن برنامه‌اش ترغیب کند. اما داشتن نگاه متفاوت ویژگی ارثی و مادرزادی نیست و فقط با تمرین می‌توان آن را کسب کرد. با تمرین و تکرار می‌توان از به‌کاربردن پیش‌فرض‌های کلیشه‌ای در برنامه‌سازی اجتناب کرد. این یعنی «خلاقیت». در

واقع خلاقیت «نوعی دیگر دیدن»، «نگاه متفاوت داشتن» به مسائل و موضوع‌های پیرامونی و «چور دیگر نگاه کردن» است. این کار اصلاً دشوار نیست، به شرط آنکه با این مسئله به صورت کلیشه‌ای مواجه نشویم. اما مگر می‌توان بعد از سال‌ها «خلاقیت» را کسب کرد؟ ما که در این سال‌ها شخصیت‌مان رشد کرده و شکل گرفته، چگونه می‌توانیم از نو شروع کنیم؟ قبل از ورود به بحث اصلی به تعریف خلاقیت در فرهنگنامه پنگوئن اشاره می‌کنیم. در فرهنگ‌نامه روانشناسی پنگوئن خلاقیت اینگونه تعریف شده است: فرایندهای ذهنی که منجر به یافتن راه‌حل‌ها، ایده‌ها، مفهوم‌سازی‌ها، شکل‌های هنری، تئوری‌ها و فرآورده‌هایی می‌شود که بی‌همتا و تازه هستند.

#### چگونه در رادیو می‌توان خلاق بود؟

نگاه تازه به محتوا و فرم‌های برنامه‌سازی و پرداخت‌های بدیع و شکل‌های گوناگون پرداخت، برنامه‌های رادیویی را شنیدنی خواهد کرد. از آنجا که کلان‌نگری به موضوع از عمده موانع بروز خلاقیت است، یکی از تکنیک‌هایی که با استفاده از آن می‌توان خلاقیت را بارور کرد، استفاده از تکنیک «نقشه ذهنی» است. اما نقشه ذهنی یا Mind Mapping چیست؟

نقشه‌کشی ذهنی نخستین بار توسط تونی بوزان (عضو گروه روش‌های یادگیری در انگلستان) طراحی شد. این تکنیک بر یافته‌های پژوهشی استوار است که نشان می‌دهد مغز در درجه اول با مفاهیمی کلیدی و به شیوه‌ای مرتبط به هم و یکپارچه کار می‌کند. در تفکر سنتی در مواجهه با یک موضوع ابتدا ستون‌ها و ردیف‌ها و یا دسته‌های کلی انتخاب می‌شوند، در حالی که بوزان می‌گوید اگر کار را از ایده اصلی شروع کنیم، با

الگوی تفکر مغز تناسب بهتری دارد. مغز به خوبی می‌تواند ایده‌های مرتبط با ایده اصلی را جاسازی کند. (لازم به یادآوری است استفاده از این فن در مواجهه با هر موضوع و مسئله در زندگی روزمره نیز کارآمد است).

آماده‌سازی طرح برای یک برنامه رادیویی را می‌توان در قالب چند پرسش ساده شکل داد:

- می‌خواهم در برنامه چه بگویم؟

- می‌خواهم چگونه بگویم؟

- از چه راه یا راه‌هایی می‌توانم بر مخاطب برنامه‌ام تأثیر بگذارم؟

بسیاری از برنامه‌سازان با تکیه بر تجربه، فعالیت‌ها و روش‌ها به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهند؛ در حالی که داشتن نقشه ذهنی در مورد پرسش‌ها، روش مفیدتری است.

برای شروع کار لازم است عنوان اصلی (و یا به تعبیر دیگر موضوع) را در وسط یک صفحه یادداشت کنیم. سپس تمامی موضوع‌های فرعی مرتبط با موضوع اصلی را پیرامون آن بنویسیم. این کار ممکن است به تقسیم‌بندی‌های بیشتری در هر یک از عناوین فرعی، یا ایجاد عناوین فرعی

در رادیو هیچ شکل و قالب نهایی و مطلق وجود ندارد، هرچه هست فقط برای امروز درست است. نظرها، شکل‌ها و قالب‌های امروز، برای فردا یک روز کهنه شده‌اند.

دیگر منجر شود.

تکنیک Mind Mapping به برنامه‌ساز کمک می‌کند علاوه بر گسترش زاویه نگاه و دیدن مسئله از دریچه‌های مختلف، متفاوت و متنوع؛ ریشه‌های مسئله و نتایج و پیامدهای آن را نیز به صورت شفاف و جزئی نگاه کند. در واقع Mind Mapping به برنامه‌ساز کمک می‌کند پیش از ساخت و ارائه برنامه به پرداخت ذهنی دست یابد. این مهارت راهی جدید برای فکر کردن به صورت تصویری است.

نقشه‌کشی ذهنی مبنای اندیشیدن به هر موضوع یا مسئله را فراهم می‌کند. برنامه‌ساز وقتی با قلم ایده‌های ذهنی خود را ترسیم می‌کند، به تدریج به سمت تکمیل پازل ذهنی خود حرکت می‌کند، موارد نامرتبط و یا کم‌ارتباط را حذف می‌کند، به روش‌ها و شکل ارائه کار می‌اندیشد و در جست‌وجوی کشف موارد مبهم برمی‌آید. با استفاده از نقشه ذهنی می‌توان به سرعت ساختار یک موضوع را شناسایی و همچنین ارتباط بین اجزای سازنده موضوع را پیدا کرد. نقشه ذهنی به عبارتی تصویری فکر کردن است. ما پیش از تولید برنامه، تصویری شفاف از جزئیات موضوع داریم.

نقشه ذهنی وسیله خوبی برای مرتبط‌ساختن ایده‌ها و جست‌وجو برای پاسخ‌های ابتکاری و خلاقانه به پرسش‌هاست. نقشه ذهنی بدین ترتیب ترسیم می‌شود: ابتدا موضوع یا واژه اصلی را روی کاغذ بنویسید، سپس عبارات یا ایده‌های مرتبط را پیرامون آن بنگارید و به آن پیوند دهید. این روش با وجود آنکه شبیه بارش فکری است، اما به شاخه‌شاخه‌شدن ایده‌ها کمک می‌کند و امکان مشاهده چگونگی ارتباط آنها را با هم فراهم می‌سازد.